

تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصلنامه علمی - پژوهشی، سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ۱۱۵-۱۴۲

الگوی برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان براساس نتایج تحقیقات مرتبط

ستاره کنعانی هرندی*

محمد نوریان**، داریوش نوروزی***، محمود عبایی کوپایی****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان براساس نتایج تحقیقات مرتبط انجام شد. رویکرد پژوهش از نوع کیفی و روش آن سنتزپژوهی توأم با تحلیل محتوای کیفی است که در آن پژوهش‌های اخیر با روشی نظام‌مند انتخاب، واکاوی محتوایی، و دسته‌بندی شده‌اند. جامعه مورد مطالعه تحقیقات انجام‌شده خارجی (در سال‌های ۱۹۳۸ تا ۲۰۱۸) و داخلی (در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶) بوده است. از مجموع پژوهش‌هایی که از سایت‌های معتبر داخلی و خارجی انتخاب شده بودند، تعداد ۷۱ مورد به‌منزله نمونه به‌صورت هدف‌مند انتخاب شد. تحلیل‌های انجام‌شده ابتدا کدگذاری و طبقه‌بندی شد و سپس بدنه اصلی در قالب ۵۲ مؤلفه در راستای ۴ عنصر اصلی «اهداف»، «محتوا»، «روش‌های یاددهی - یادگیری»، و «روش‌های ارزش‌یابی» و ۸ مؤلفه مرتبط با عنصر زمینه‌ای «محیط آموزشی» شناسایی شد. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان درسی دوره پیش‌دبستانی و دبستان می‌توانند، با استفاده از الگوی مفهومی مستخرج، تدابیر شایسته را جهت اجرای مطلوب و با کیفیت برنامه درسی فلسفه برای کودکان اتخاذ کنند. مربیان و آموزگاران نیز قادر خواهند بود تا الگوی موجود را براساس تجربیات عملی تدریس تطبیق دهند تا تدریس اثربخش‌تری داشته باشند.

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، setarekanani@yahoo.com

** دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)
Nourian2001@gmail.com

*** دانشیار گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، drdnoroozi@gmail.com

**** استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب
m_abaeikoopaei@azad.ac.ir

کلیدواژه‌ها: آموزش فلسفه برای کودکان، الگوی برنامه درسی، تحلیل محتوای کیفی.

۱. مقدمه

افزایش روزافزون ساختارهای اجتماعی و نیاز به تربیت و آماده سازی افراد برای زندگی در جامعه در حال رشد از یک سو و تعدد دیدگاه‌ها در مورد نقشی که آدمیان در قرن جدید ایفا خواهند کرد از سوی دیگر، بیش از پیش، دست‌اندرکاران نظام‌های آموزشی را متوجه هدایت و سازمان‌دهی فرایندهای آموزشی کرده است (رمضانی ۱۳۸۹: ۲۱-۳۵). آموزش و پرورش جدید در تلاش است تا روش‌های صحیح استدلال و تفکر را محور برنامه‌های درسی قرار دهد. تغییر و تحولات سریع جوامع و رشد روزافزون اطلاعات و نیاز به نحوه برخورد صحیح با این تحولات مستلزم آموزش درست‌اندیشیدن و پرورش قوه تحلیل است تا فرد توانایی سازگاری و هماهنگی با این تحولات را بیابد (Murriss 2008: 667-685).

به این منظور در چهار دهه پیش «مؤسسه پیش‌برد فلسفه برای کودکان» برنامه درسی فلسفه برای کودکان را تدوین کرد. این برنامه یکی از بزرگ‌ترین و جدیدترین راه‌ها با هدف تقویت و بهبود توانایی استدلال، داوری، و قدرت تشخیص دانش‌آموزان بود (Barrow 2015: 76-87). فایر و هم‌کاران (Fair et al. 2015: 18-37) اعتقاد دارند که فلسفه برای کودکان نمونه آشکار کاربرد فلسفه در آموزش و پرورش است و هدف آن یاددادن فلسفیدن و فلسفه‌ورزی به کودکان است تا به دانش‌آموزان کمک کند که بیندیشند و مسائل خود را حل کنند (Välitalo et al. 2016: 79-92). به این منظور تحقیقات اندوفایری و کراس (Ndfirepi and Cross 2015: 225-238)، کلوم (Colom 2014: 11-16)، نوسبام (Nussbaum 2010)، دنیل و هم‌کاران (Daniel et al. 2012; Daniel et al. 2005: 23-52)، لندساون (Lansdown 2012)، فیامی (Fayemi 2009: 166-176) و محققان دیگری چون کانن (Cannon 1987: 30-35)، کانن و واینس‌تاین (Cannon and Weinstein 1985: 29-33)، گزرد (Gazzard 1988: 32-41)، کندی (Kennedy 1996: 28-41)، لین و لین (Lane and Lane 1986: 263-275) حاکی از آن است که برنامه آموزش فلسفه می‌کوشد تا دانش‌آموزانی آگاه، منتقد، و متفکر پرورش دهد که در رابطه متقابل با محیط به دانشی دست یابند که متعلق به خودشان است و بتوانند آن را در موقعیت‌های زندگی به کار گیرند. گراد و هم‌کاران (Gorard et al. 2017: 5-22) هم آموزش فلسفه به کودکان را به معنای آموزش درست‌اندیشیدن درباره اندیشه‌ها و از طریق جست‌وجو به روش علمی برای درست‌زیستن

می‌دانند. لطف‌آبادی (۱۳۸۵: ۱۱-۴۴) و نیز صمدی و هم‌کاران (۱۳۹۰: ۸۱-۱۰۴) اذعان دارند که دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که هدف‌مند بیندیشند و در تعبیر و تفسیر مسائل درست قضاوت کنند. باتوجه‌به همه‌ی موارد فوق محققان اعتقاد راسخ دارند که برنامه‌ی آموزش فلسفه برای کودکان خلق افکار نو و ایده‌های جدید را به‌دنبال دارد و سعی می‌کند مشکل اساسی آموزش و پرورش فعلی را، که در دوره‌ی کودکی یادگیرندگان را منفعل، معلمان و مربیان را سخنران، کلاس درس را بی‌روح، و ذهن یادگیرنده را انباری از اطلاعات در نظر گرفته است، دگرگون کند. بنابراین با اطمینان می‌توان بیان کرد که اگر کودکان را معقول و محقق بار بیاوریم، در آینده‌ای نه‌چندان دور شهروندانی معقول و خردمند خواهیم داشت. این برنامه می‌تواند هم زندگی شخصی فرد و هم زندگی اجتماعی فرد را تحت‌تأثیر قرار دهد. شعاری‌نژاد (۱۳۹۵) سقراط را اولین فردی می‌داند که نشان داد کارهایی که درطول زندگی انسان انجام می‌شود، همه‌ی لحظات و مقاطع آن، فرصتی برای انجام فلسفه، یعنی فلسفی‌اندیشیدن، است. کنج‌کاوی و میل به فهمیدن و شناختن یا کشف‌کردن با عمیق‌ترین تاروپود جان آدمی پیوند دارد.

برنامه‌ی دستی فلسفه برای کودکان هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای جهان و نیز ایران درحال اجراست و در این حیطه فعالیت‌هایی در مبنای نظری، پژوهشی، و عملی صورت گرفته است (قائدی ۱۳۸۸: ۸۳-۱۰۸)، به‌طوری‌که در دسته‌بندی‌ای کلی می‌توان عنوان کرد که این مطالعات یا عمدتاً به مفهوم‌شناسی آن پرداخته‌اند (مانند قائدی ۱۳۸۳؛ قضاوی ۱۳۸۶؛ 365-380؛ Trickey and Topping 2004) یا به تبیین چگونگی آن اقدام کرده‌اند (مانند سجادیان و هم‌کاران ۱۳۹۳: ۶۴-۸۰؛ خارستانی ۱۳۸۷؛ رحیمی‌نسب و هم‌کاران ۱۳۸۶؛ حاجی نصرالله ۱۳۸۴: ۶۲-۷۰؛ Morrison 2014؛ Wilks 2004) یا این‌که آن را با رویکرد کاربردی انجام داده‌اند (مانند جناب‌زاده رودباری ۱۳۹۵: ۲۱-۴۶؛ عظیم‌پور و هم‌کاران ۱۳۹۵: ۶۵-۸۲؛ صفرپور ۱۳۹۵؛ هدایتی و ماه‌زاده ۱۳۹۵: ۲۹-۵۴؛ کیارسی و هم‌کاران ۱۳۹۵: ۱۷-۳۱؛ ستاری ۱۳۹۵: ۵۰-۷۰؛ روشن‌قیاس ۱۳۹۳؛ Venter and Higgs 2014: 11-16؛ Bleazby 2009: 70-78). مطالعه‌ی عمیق و دقیق منابع مذکور نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی دچار مشکلی اساسی‌اند و آن این‌که نتوانسته‌اند اندیشیدن، پرسیدن، و باهم‌اندیشیدن را در کودکان ارتقا دهند. سؤالی که ذهن خلاق و منتقد هر پژوهش‌گری را درباره‌ی این موضوع درگیر می‌کند این است که اگر کودکان هنگام اشتغال به یادگیری، اندیشیدن، و باهم‌اندیشیدن و به صورت گروهی کارکردن را نیاموزند، چگونه می‌توانند به

یادگیری ادامه دهند و در جامعه قدم بگذارند؟. باتوجه به این مسئله مهم برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و مبانی فلسفی، اجتماعی، و روان‌شناختی آن باید بحث و بررسی شود تا بتواند به بهترین شکل خود اجرا شود. با بررسی‌ها و تحقیقات در زمینه این برنامه مریان و دست‌اندرکاران و تمام کسانی که در امر تعلیم و تربیت کودک مشتاق‌اند با زیربوم‌های این برنامه به‌خوبی آشنا می‌شوند و می‌دانند که چه چیزی را می‌خواهند با چه روش‌هایی و چه اهدافی تدریس کنند. برنامه آموزش فلسفه برای کودکان مانند سایر برنامه‌ها دارای عناصری است که شامل هدف، محتوا، روش، و ارزش‌یابی است؛ بنابراین در این تحقیق برآنیم تا براساس نتایج تحقیقات مرتبط به این سؤال اصلی پاسخ دهیم که مختصات و هندسه معرفتی و کیفیتی عناصر برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان چگونه است؟ بنابراین سؤالات فرعی تحقیق شامل موارد زیر است:

۱. تجمیع نتایج تحقیقات چه اهدافی را برای آموزش فبک ارائه می‌دهد؟
۲. تجمیع نتایج تحقیقات چه محتوایی را برای آموزش فبک مطرح می‌کند؟
۳. تجمیع نتایج تحقیقات چه روش‌های یاددهی - یادگیری را برای آموزش فبک معرفی می‌کند؟
۴. تجمیع نتایج تحقیقات چه روش‌های ارزش‌یابی را برای آموزش فبک تجویز می‌کند؟

۲. روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر از تحقیقات کیفی و روش آن سنتزپژوهی است که با تحلیل محتوای کیفی توأم است و اقدام به تجزیه و تحلیل داده‌ها شده است. جامعه مورد مطالعه تحقیقات انجام‌شده خارجی (در سال‌های ۱۹۳۸ تا ۲۰۱۸) و داخلی (در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶) حوزه آموزش فلسفه به کودکان و مبانی فلسفی، اجتماعی، و روان‌شناختی آن بوده است که در سایت‌های معتبر داخلی و خارجی از جمله مگ ایران، نورمگز، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، ایراندک، علم‌نت، پروکوئست (Proquest)، اسپرینگر (Springer)، ساینس دایرکت (Science Direct)، امرالد (Emerald)، اریک (ERIC)، تیلور و فرانسیس (Taylor and Francis)، و گوگل اسکالر (Google Scholar) موجود بودند که از میان آن‌ها تعداد ۷۱ مورد به روش هدف‌مند و گلوله برفی انتخاب شدند و پژوهش‌گر را تا حد اشباع اطلاعاتی یاری کردند. در جدول ۱ نمونه پژوهشی به ترتیب سال تدوین و نشر آورده شده است.

[همان‌گونه که مشهود است محوریت تعدادی از پژوهش‌های انجام‌شده مبانی فلسفی، اجتماعی، و روان‌شناختی آموزش فلسفه برای کودکان است. البته پژوهش‌گر اصلی در فصل دوم رساله دکتری خود با عنوان طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه‌دستی فلسفه برای کودکان با رویکرد رشد خلاقیت به گونه‌ای دقیق و نظام‌یافته به این مبانی اشاره کرده و با در نظر گرفتن آن‌ها اقدام به طراحی الگو کرده است که به نظر می‌رسد به دلیل کثرت نمونه پژوهشی و نیز محدودیت حجم در تدوین مقاله اشاره به آن‌ها منطقی نباشد].

جدول ۱. پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه آموزش فلسفه به کودکان

نام پژوهش‌گر و سال انتشار	عنوان پژوهش
Makaiau and Tanaka 2018	فلسفه برای کودکان: روشی پویا برای تدریس مطالعات اجتماعی در ژاپن و ایالات متحده آمریکا
Kohan 2018	پائولو فریره و فلسفه برای کودکان: گفت‌وگویی انتقادی
سروش ۱۳۹۶	بررسی ارتباط میان آموزش فلسفه به کودکان و تربیت شهروند جهانی
فیشر ۱۳۹۶	آموزش تفکر به کودکان
امیریان ۱۳۹۶	مقایسه اثربخشی روش‌های مختلف آموزش فلسفه به کودکان بر تفکر منطقی دانش‌آموزان پایه ششم دوره ابتدایی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵
براتی ۱۳۹۶	ظرفیت بالای متون کهن ادب فارسی برای بومی‌سازی منابع فلسفه و کودک
ستارپناهی و برخوردار ۱۳۹۶	بررسی اثربخشی و کارایی داستان‌های مثنوی (دفتر ششم) در فلسفه و کودک
شاه‌نعمتی و هم‌کاران ۱۳۹۶	تحلیل روش‌های تدریس هنر به‌منظور ارائه الگوی مطلوب در دوره ابتدایی
Gorard et al. 2017	آیا «فلسفه برای کودکان» می‌تواند پیشرفت تحصیلی را بهبود بخشد؟
Bialystok 2017	فلسفه در سراسر برنامه‌دستی و پرسش از ظرفیت معلم یا فلسفه چیست و چه کسی می‌تواند آن را آموزش دهد؟
D'Olimpio and Teschers 2016	فلسفه برای کودکان جهت کاربست در آشنایی با هنر زندگی: رویکردی جامع برای آموزش برای زندگی
Green and Condy 2016	پرس‌وجو فلسفی به‌منابه ابزار آموزشی برای اجرای برنامه‌دستی CAPS
Riku et al. 2016	فلسفه برای کودکان به‌منابه تمرینی آموزشی
Murriss 2016	برنامه‌دستی فلسفه برای کودکان: مقاومت در برابر آموزه‌های اثبات‌شده و شکل‌گیری فرزند فیلسوف
Azemat Madar Fard et al. 2016	فلسفه برای کودکان: ارزیابی ظرفیت داستان‌های عاشقانه مثنوی معنوی براساس دیدگاه لیپمن در تفکر فلسفی
جلیلیان و هم‌کاران ۱۳۹۵	اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش توانایی حل مسئله و قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان
یوسفی ۱۳۹۵	اصول بازنویسی داستان‌های متون کهن فارسی به‌منظور استفاده در برنامه فلسفه و کودک

بررسی دیدگاه معلمان دوره ابتدایی مجری برنامه فلسفه برای کودک اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران نسبت به محتوا و روش اجرای این برنامه در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵	ستاری ۱۳۹۵
بررسی تأثیر اجرای قصه‌های سنتی استان خوزستان بر پرورش تفکر انتقادی دانش‌آموزان ابتدایی	شمسیان ۱۳۹۵
مقایسه تأثیر روش تدریس هم‌پارانه با روش کاوش‌گری بر خلاقیت دانش‌آموزان پسر در درس علوم تجربی پایه سوم ابتدایی منطقه چهار شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵	تاجداری ۱۳۹۵
تأثیر برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی	قبادیان ۱۳۹۴
تولید محتوای فلسفه و کودک	برخورداری ۱۳۹۴
تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر	بدری گرگری و واحدی ۱۳۹۴
روش تدریس فلسفه و کودک	ایمانی و تاجبخش ۱۳۹۴
اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان ابتدایی	اسمعیل‌زاده و کرمی ۱۳۹۴
طراحی الگوی برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان در دوره ابتدایی براساس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی	صباغ حسن‌زاده ۱۳۹۴
بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهش‌گری کودکان دوره پیش‌دبستانی	جعفری و هم‌کاران ۱۳۹۴
بررسی تأثیر داستان‌های گلستان سعدی بر پرورش قضاوت اخلاقی نوجوانان با استفاده از روش آموزش فلسفه به کودکان	ماهورزاده و تجری ۱۳۹۴
مجموعه آموزش مریی فلسفه برای کودکان و نوجوانان	یاری دهنوی ۱۳۹۴
فلسفه برای کودکان	صادقی هاشم‌آبادی و علوی ۱۳۹۳
مطالعه تطبیقی دوره‌های تربیت مریی برنامه فلسفه برای کودکان در ایران و کشورهای پیش‌رو و ارائه الگوی مناسب برای ایران	هدایتی ۱۳۹۳
فلسفه برای کودکان چیست؟ از آزمایشی آموزشی تا آموزش تجربی	Vansieleghe 2014
نقد و تحلیل برنامه درسی پایه پنجم و ششم فلسفه برای کودکان (داستان کشف هاری استاتلمیر و راه‌نمای آموزشی آن تحت عنوان کاوش‌گری فلسفی	واعظ شهرستانی ۱۳۹۲
بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در افزایش هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر مقطع اول راهنمایی مدرسه شهدای آزاد تهران در سال تحصیلی ۸۸-۸۹	حاتمی و هم‌کاران ۱۳۹۱
بررسی عناصر برنامه آموزش فلسفه به کودکان در دوره پیش از دبستان	علوی ۱۳۹۱
فلسفه برای کودکان	Kim 2012
اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به دانش‌آموزان دختر بر عزت نفس و توانایی حل مسئله آن‌ها	سیفی گندمانی و هم‌کاران ۱۳۹۰
بررسی رویکردهای مختلف در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و نسبت آن با برنامه درسی رسمی	حسینی و حسینی ۱۳۹۰
بررسی و نقد فلسفه برای کودکان براساس مبانی فلسفی تربیت اسلامی	ستاری ۱۳۹۰
تبیین و نقد پژوهش‌های دانشگاهی آموزش فلسفه به کودکان در ایران از منظر روش پژوهش و نتایج آن‌ها	یاری دهنوی و حاتمی ۱۳۹۰

الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان براساس نتایج ... ۱۲۱

پیش‌نهاد چهارچوبی برای ارزش‌یابی برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان	قائدی و دیباوآجاری ۱۳۹۰
بررسی و تحلیل برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان و نوجوانان با نظر به میزان ابتدای آن بر پراگماتیسم دیویی	ناجی و هم‌کاران ۱۳۹۰
ارتباط اجتماع پژوهی در برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان با روش‌های تدریس فعال و مشارکتی	نقدعلی و پناهی ۱۳۹۰
آموزش فلسفه به کودکان در موزه‌های تعاملی علم	صابری نجف‌آبادی ۱۳۹۰
گفت‌وگو، مشارکت، و توان بالقوه فلسفه برای کودکان	Barrow 2010
فلسفه برای کودکان؛ گامی به سوی پیوند فلسفه با جامعه	فخرایی ۱۳۸۹
برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره‌راه‌نمایی و متوسطه	قائدی ۱۳۸۸
طراحی برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه‌اول ابتدایی	سجادیان ۱۳۸۸
فلسفه ادبیات کودک و فلسفه در ادبیات کودک؛ تضاد یا تعامل	شریفی نسب ۱۳۸۸
امکان‌سنجی اجرای برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان در برنامه‌درسی دوره‌ابتدایی	مرعشی و هم‌کاران ۱۳۸۷
آموزش فلسفی کودکان در نظام تعلیم و تربیت رسمی	سلیمانی ابهری ۱۳۸۷
بررسی تأثیر روش اجتماع پژوهشی برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان بر مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان پسر پایه سوم راه‌نمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز	مرعشی ۱۳۸۵
مقایسه سبک‌های لیپمن و برنی فیر در فلسفه برای کودکان	امی و فرامرزقراملکی ۱۳۸۴
تعامل خوب با معلم و کودک و بازی مستقل در کودکان پیش‌دبستانی	Trawick-Smith and Dziurgot 2011
دوران کودکی، تحصیلات و فلسفه	Kohan 2011
معنی ساخت و خودارزیابی	Kottalil 2009
بحث فلسفی در کلاس درس ابتدایی: نظریه، آموزش، تحقیق	Reznitskaya 2008
بنیاد آمریکایی برای پیشرفت آموزش فلسفه به کودکان	Hanna 2007
شرکت در کلاس درس برنامه‌درسی خلاقانه	Jessica 2007
تحقیق فلسفی؛ بررسی وضعیت اجتماعی و عاطفی کودکان ۱۱ تا ۱۲ سال	Trickey and Topping 2007
تظاهر به بازی و پرورش استعداد جمعی	Tummolini et al. 2006
فلسفه برای کودکان و رشد اخلاقی در هند	Mehta and Whitebeard 2005
فلسفه برای کودکان	Sanjana and Whitebread 2005
فلسفه برای کودکان	Hymer 2002
کودکان به‌عنوان فیلسوفان	Haynes 2002
فلسفه برای کودکان در میانه سال تحصیلی: مطالعه موردی کودکان هفت سال	Leckey 2001
باشگاه فلسفه: ماجراجویی‌ای در تفکر	Sutcliffe and Williams 2000
فلسفه به مدرسه می‌رود	Limpan 1988
فلسفه در کلاس درس	Limpan 1980
ذهن و جامعه: رشد فرایندهای ذهنی بالاتر	Vygotsky 1978
تفکر و زبان	Vygotsky 1962
منطق: نظریه تحقیق در خلاقیت	Dewey 1938

پس از آن کدگذاری و طبقه‌بندی اطلاعاتی که از پژوهش‌های موردبررسی به دست آمده است انجام شد و الگوها، پایه‌های نظری، و مضامین اصلی استخراج شد. این کار به وسیله کدگذاری محوری با مرتب‌کردن، درآمیختن، و سازمان‌دهی انبوهی از داده‌ها انجام می‌شود.

چهار معیار قابلیت اعتماد باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری، انتقال‌پذیری (محمدپور ۱۳۹۲) بدین شرح موردتوجه قرار گرفت. پژوهش‌گر برای دست‌یابی به معیار «باورپذیری» از روش «توصیف توسط همتایان» استفاده کرد که در این زمینه پژوهش‌گر با سه نفر از دانشجویان مقطع دکتری که از این روش استفاده کرده بودند ارتباط برقرار کرد و بخش‌هایی از تحلیل‌ها در اختیار آنان قرار گرفت تا آن‌ها نیز کدگذاری کنند. در واقع هدف این بود که از صحت روند کدگذاری پژوهش‌گر و نیز سوگیری‌نکردن در تحلیل‌های ابتدایی آگاهی یابد. به‌منظور برآورد معیار دوم یعنی «انتقال‌پذیری» از روش «نمونه‌گیری هدف‌مند» استفاده شد که بر مبنای این روش در ابتدا با مقاله‌ای به‌منزله هسته در هریک از گروه‌های مورد مطالعه شناسایی شد و سپس از طریق آن به سایر مقالات دست یافت. در مورد معیار سوم یعنی «اطمینان‌پذیری» از روش «کفایت اجماعی» استفاده شد، به این ترتیب که در جلسه‌ای با حضور استاد راهنما و یکی از اساتید مشاور جلسه‌ای درباره روند انجام پژوهش ارائه شد و بازخوردهایی جهت بهبود کار در مورد طراحی چهارچوب نظری کشف‌شده دریافت شد. در مورد معیار چهارم که «تأییدپذیری» است از روش «نگارش یادداشت‌های تأملی» استفاده شد. هدف این یادداشت‌ها که بیان‌گر یادداشت‌های شخصی پژوهش‌گر در حین کار است آگاهی‌یافتن از تعصباتی بود که ممکن است ناآگاهانه در نوشتن و تحلیل‌های پژوهش‌گر اتفاق افتاده باشد و احتمال این‌که آن‌ها در نتایج پژوهش اثر گذارد وجود داشت.

۳. یافته‌ها

۱.۳. تجمیع نتایج تحقیقات چه اهدافی را برای آموزش فبک ارائه می‌دهد؟

به‌منظور پاسخ به این پرسش اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای منابع در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. اهداف برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان

اهداف	کدها	تحقیقات
رشد مهارت‌های شناختی	بهبود توانایی تعقل	سجادیان ۱۳۸۸
	آموزش روش فکرکردن	قائدی ۱۳۸۸
	طبقه‌بندی	Limpan 1988
	کشف روابط	Kottalil 2009
	اندیشه‌ورزی	حاتمی و هم‌کاران ۱۳۹۱
	رشد عقلی	Hanna 2007
	رشد تفکر منطقی	امیریان ۱۳۹۶
	پرورش تفکر انتقادی	D'Olimpio and Teschers 2016
	استدلال مفهومی	Hymer 2002
	درک نظری و عملی فرایند حل مسئله	Dewey 1938
	تسهیل شناخت و یادگیری پایدار	ستاری ۱۳۹۵
پرورش مهارت‌های اجتماعی	آموزش فرایند تصمیم‌گیری دموکراتیک	Haynes 2002
	رشد میان فردی	Limpan 1980
	برابری اجتماعی	۱۳۹۴
	رشد استدلال اجتماعی	Sanjana and Whitebread 2005
	هم‌کاری با دیگران	سجادیان ۱۳۸۸
	رعایت مقررات اجتماعی	سجادیان ۱۳۸۸
	تربیت شهروند محلی، ملی، و جهانی	سروش ۱۳۹۶
	دوست‌یابی	یاری دهنوی و حاتمی ۱۳۹۰
	نظم و مسئولیت‌پذیری	Barrow 2010
	مشارکت گروهی	۱۳۹۴
پرورش حس زیبایی‌شناسی	پرورش ارزش‌های هنری	Limpan 1980
	پرورش خلاقیت	Limpan 1980
	توجه به هنرمندی و زیبایی‌شناسی	Bialystok 2017
	رشد تخیل	Bialystok 2017
	بیان احساسات	Barrow 2010
پرورش ارزش‌های اخلاقی	پرورش درک اخلاقی	Limpan 1980
	احترام به دیگران	Gorard et al. 2017
	توسعه قضاوت اخلاقی	جلیلیان و هم‌کاران ۱۳۹۵
	تحمل و مدارا	Tummolini et al. 2006
	بهبود و افزایش میزان هوش اخلاقی	بدری گرگری و واحدی ۱۳۹۴

	قناعت به حق خود و رعایت حقوق دیگران	سجادیان ۱۳۸۸
	خوداصلاحی	Kottalil 2009
پرورش ابعاد روانی و عاطفی	پرورش خودآگاهی	Haynes 2002
	پرورش توانایی مفهوم‌یابی در تجربه	Limpan 1980
	افزایش اعتمادبه‌نفس	سیفی گندمانی و هم‌کاران ۱۳۹۰
	ابراز احساسات و عواطف	شمسیان ۱۳۹۵
	هم‌دلی	Fisher 2002
	مهربانی و محبت	مرعشی و هم‌کاران ۱۳۸۷
	دوستی	مرعشی ۱۳۸۵
	رشد مهارت‌های زبانی و زبان‌آموزی	تلفظ صحیح کلمات، افزایش خزانه لغات، خوب سخن گفتن و شنونده خوب بودن، ساکت بودن در هنگام سخنرانی دیگران، استفاده به‌جا از کلمات در موقعیت‌های متفاوت، مفهوم‌یابی، خواندن، و نوشتن
پرورش آگاهی‌های فرهنگی	پرورش روحیه پژوهش‌گری بین فرهنگی	جعفری و هم‌کاران ۱۳۹۴
	آشناسدن با داستان‌های بومی	حسینی و حسینی ۱۳۹۰
	شناخت میراث فرهنگی	قائدی ۱۳۸۸
	فهم آداب و رسوم	ناجی و هم‌کاران ۱۳۹۰

بر مبنای جدول ۲، فلسفه برای کودکان به‌دنبال پرورش و تقویت اهداف شناختی، اجتماعی، زیبایی‌شناسی، اخلاقی، روانی، و عاطفی، پرورش حس زبانی و زبان‌آموزی و آگاهی‌های فرهنگی است.

۲.۳. تجمیع نتایج تحقیقات چه محتوایی را برای آموزش فبک مطرح می‌کند؟

به‌منظور پاسخ به این پرسش و نیز رسیدن به اهدافی که در پرسش اول مطرح شد محتوایی در قالب جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. محتوای برنامه‌دستی آموزش فلسفه برای کودکان

اهداف	محتوا	تحقیقات
رشد مهارت‌های شناختی	داستان‌های فلسفی	صادقی و دیگران ۱۳۹۳، حسینی و حسینی ۱۳۹۰، Azemat Madar Fard et al. 2016، Limpan 1983
	اخبار روزنامه‌ها	قائدی ۱۳۸۸
	متون کتاب‌های بزرگ	سناری ۱۳۹۰

	معماهای علمی کودکانه	یاری دهنوی ۱۳۹۵
پرورش مهارت‌های اجتماعی	شعرهای اجتماعی و تعلیمی	شریفی‌نسب ۱۳۸۹، قائدی ۱۳۸۸، سلیمانی و ابهری ۱۳۸۷، Limpan 1988، Limpan 1991
	داستان‌های مرتبط با زندگی واقعی	Murris 2016
	مکالمه‌کنش‌آفرین	Reznitskaya 2008
	قوانین	فیشر ۱۳۹۶
پرورش حس زیبایی‌شناسی	موسیقی	فیشر ۱۳۹۶، ناجی ۱۳۹۰، قائدی ۱۳۸۸، Limpan 1983
	نمایش‌نامه‌های تخیلی و مبتنی بر خلاقیت	اسماعیل‌زاده و کرمی ۱۳۹۴، قائدی ۱۳۸۸
پرورش ارزش‌های اخلاقی	مضامین اخلاقی موجود در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی	براتی ۱۳۹۶، ستارپناهی و برخوردار ۱۳۹۶، یوسفی ۱۳۹۵، ماهرزاده و تجری ۱۳۹۴، اکبری و هم‌کاران ۱۳۹۱
	ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی	قائدی ۱۳۸۸، ناجی و هم‌کاران ۱۳۹۰
	حکمت حکیمان و فیلسوفان	برخوردار ۱۳۹۴
پرورش ابعاد روانی و عاطفی	رمان‌های فلسفی	قائدی و سلطانی ۱۳۹۶
	مرور فیلم‌های حاوی محتوای عاطفی و مثبت	قائدی ۱۳۸۸
رشد مهارت‌های زبانی و زبان‌آموزی	کتاب‌های داستان منطقی دارای متن ساده به پیچیده	Green and Condy 2016
پرورش آگاهی‌های فرهنگی	داستان‌های بومی - محلی	حسینی و حسینی ۱۳۹۰
	اطلس مصور میراث فرهنگی	قائدی ۱۳۸۸

باتوجه به اطلاعات کسب‌شده هجده کد فوق در قالب هفت طبقه می‌توانند محتوای برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان باشند. نکته‌ای که باید در این عنصر به آن توجه شود آن است که برنامه‌های آموزش و پرورش در دوره‌ کودکی باتوجه به نیازها و استعداد‌های کودکان طراحی می‌شود و باتوجه به این که کودکان خیلی در خواندن و نوشتن تسلط ندارند، بنابراین مواد و محتوایی به کار برده می‌شود که کودکان بتوانند از آن‌ها به تنهایی و بدون کمک معلم نیز استفاده کنند و در آن‌ها ایجاد انگیزه کند؛ یعنی مواد و محتوای آموزشی در این دوره براساس توانایی‌ها و ناتوانی‌های کودک است. نکته اصلی در همه موارد توصیه‌شده این است که سؤالات کودکان است که ادامه بحث را شکل می‌دهد و مربی صرفاً نقش راهنما و تسهیل‌کننده بحث را دارد.

۳.۳. تجمیع نتایج تحقیقات چه روش‌های یاددهی - یادگیری را برای آموزش فبک معرفی می‌کند؟

به منظور پاسخ به این پرسش اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای منابع در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. روش‌های یاددهی - یادگیری آموزش فلسفه برای کودکان

اهداف	کدها	تحقیقات
رشد مهارت‌های شناختی	بحث گروهی	سجادیان و هم‌کاران ۱۳۹۳
	تفحص گروهی	
	مداخلهٔ راوی	
	پرسش و پاسخ	
	توضیحی	کار و هم‌کاران ۱۳۹۳
	روایت‌گری	شاه‌نعمتی و هم‌کاران ۱۳۹۶
	بارش مغزی	سجادیان و هم‌کاران ۱۳۹۳
پرورش مهارت‌های اجتماعی	هم‌پاری از طریق تدریس اعضای تیم	تاجداری ۱۳۹۵
	حل مسئله	Kottalil 2009
	اجتماع پژوهشی	مرعشی ۱۳۸۵
	گفت‌وگو با هم‌سالان و مباحثهٔ هوشیارانه	Tummolini et al.
	پرسش‌گری	Jessica 2007
	مشارکت‌دادن کودکان در تعامل‌های اجتماعی	Vygotsky 1962
	جست‌وجوی علت	Vygotsky 1978
پرورش حس زیبایی‌شناسی	پخش موسیقی‌های آرامش‌بخش	فخرایی ۱۳۸۹
	روش‌های چالشی	Kim 2012
	بدیعه‌پردازی	نقدعلی و پناهی ۱۳۹۰
	کاوش‌گری	واعظ شهرستانی ۱۳۹۲
پرورش ارزش‌های اخلاقی	متن‌خوانی کودکان، خلق سؤال، برقرارکردن ارتباط بین سؤال و کودک، انتخاب یک سؤال برای ادامهٔ تفکر و بحث، پاسخ‌دادن کودکان به سؤال‌ها، نوشتن جواب‌ها و بحث‌ها روی تخته، مرور، بحث، و جمع‌بندی	Haynes 2002
	گفت‌وگوی آزاد فلسفی	Fisher 2002
	الگوی	یاری دهنوی و حاتمی ۱۳۹۰
	تمرین آموزشی	Riku et al. 2016

پرورش ابعاد روانی و عاطفی	رمان خوانی	ایمانی و هم‌کاران ۱۳۹۴
	حلقه کندوکاو	ناجی ۱۳۹۰
	گفت‌وگوی نظام‌مند	Barrow 2010
	نقد فیلم	Vansieleghem 2014
رشد مهارت‌های زبانی و زبان‌آموزی	پژوه‌های مبتنی بر یادداشت‌نویسی (واحد کار)	Kohan 2011
پرورش آگاهی‌های فرهنگی	بازی‌های فردی و گروهی	Trawick-Smith and Dziurgot 2011
	تقلید	Tummolini et al. 2006
	ایفای نقش	شمسیان ۱۳۹۵
	گردش علمی و بازدید	صفوی ۱۳۹۵
	مشاهده	امی و قراملکی ۱۳۸۴
	الکترونیکی (آنلاین)	هدایتی ۱۳۹۳

باتوجه به اطلاعات کسب‌شده ۳۳ روش یاددهی - یادگیری در طبقه‌های مختلفی از اهداف برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان جای گرفتند. درباره روش‌های یاددهی - یادگیری می‌توان گفت که باتوجه به این که ایجاد انگیزه از اصول و شرایط اولیه یادگیری کودکان این سن است، بنابراین قبل از شروع آموزش باید انگیزه و تمایل کودکان را برانگیخت. استفاده از روش‌های متنوع برای کودکان و انجام بازی و ایجاد موقعیت‌های سؤال‌برانگیز بسیار مؤثر است. آموزش فلسفه به کودکان با روش‌های ذکرشده در جدول ۴ به دنبال آن است که از کودکان متفکرانی نقاد و انعطاف‌پذیر به وجود آورد. داشتن شهروندانی استدلال‌پذیر و انعطاف‌پذیر باعث رشد آموزش و پرورش و پیشرفت و تعالی جامعه می‌شود. کلید هر روش انتخابی آن است که مربیان و افرادی که فلسفه تعلیم می‌دهند فرهنگ، راه تفکر، و روش زندگی خودشان را بشناسند، تا بتوان از مفاهیم، واژه‌ها، و داستان‌های مورده‌علاقه کودکان در این امر سود برد، چراکه هیچ راه دیگری وجود ندارد؛ درغیراین صورت، نتیجه‌ای که به بار می‌آید به هدررفتن وقت کودکان است. مربیان باید فلسفه را به منزله موضوعی مهم و ابزاری مهیج برای فهم خود و دیگران تجربه کنند.

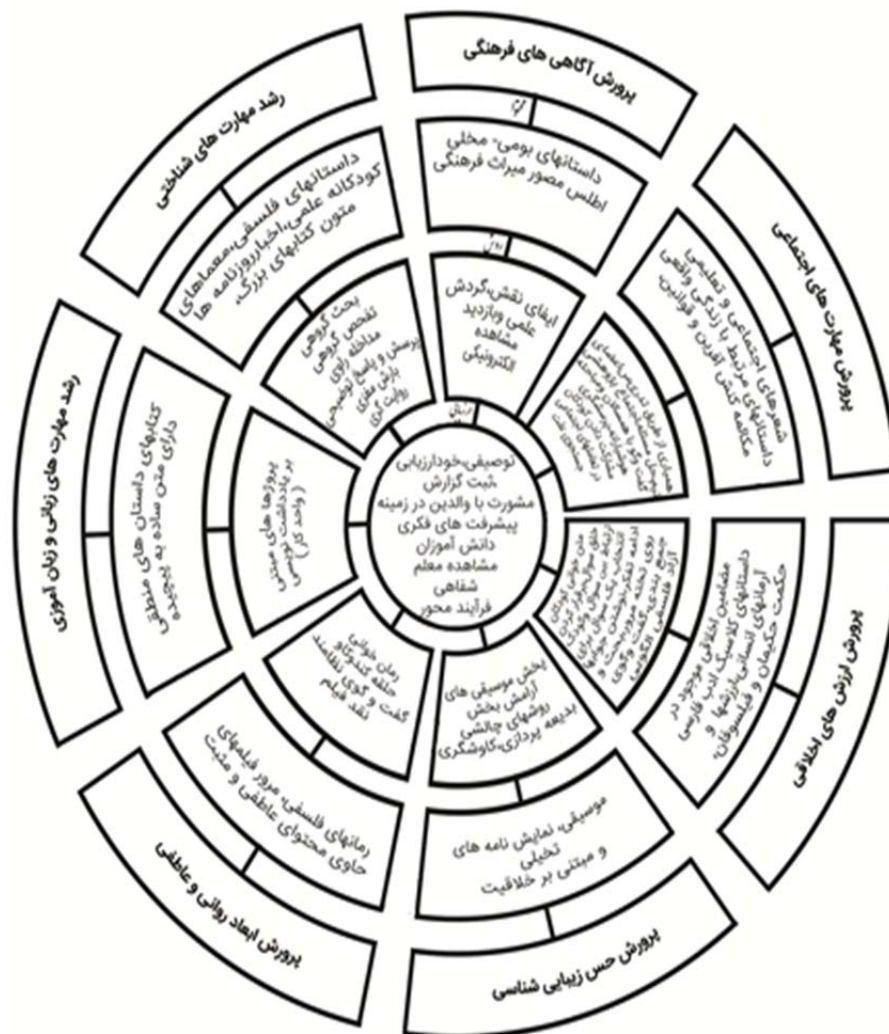
۴.۳. تجمیع نتایج تحقیقات چه روش‌های ارزش‌یابی را برای آموزش فبک تجویز می‌کند؟

به منظور پاسخ به این پرسش اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای منابع در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵. روش‌های ارزش‌یابی آموزش فلسفه برای کودکان

اهداف	کدها	تحقیقات
رشد مهارت‌های شناختی پرورش مهارت‌های اجتماعی پرورش حس زیبایی‌شناسی پرورش ارزش‌های اخلاقی پرورش ابعاد روانی و عاطفی رشد مهارت‌های زبانی و زبان آموزی پرورش آگاهی‌های فرهنگی	توصیفی	مرعشی و هم‌کاران ۱۳۸۷
	خودارزیابی	Sutcliffe and Williams 2000
	ثبت گزارش	Leckey 2001
	مشورت با والدین در زمینه پیشرفت‌های فکری دانش‌آموزان	قائدی و دیباواجاری ۱۳۹۰
	مشاهده معلم	علوی ۱۳۹۱
	شفاهی	صباغ حسن‌زاده ۱۳۹۴
	فرایندمحور	Murris 2016

باتوجه به اطلاعات کسب‌شده هفت کد فوق در طبقه روش‌های ارزش‌یابی مرتبط باتوجه به تجمیع نتایج تحقیقات جای گرفتند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ارزش‌یابی از برنامه آموزش فلسفه به کودکان در این دوره به صورت کیفی و تکوینی است و همین که کودکان بتوانند در بحث‌ها و کلاس‌های آموزش فلسفه شرکت فعال داشته باشند کافی است و تشخیص این که آیا کودکان شرکت فعال داشته‌اند یا نه برعهده خود مربی و معلم است که باتوجه به تفاوت‌های فردی و شناختی که از فراگیران خود دارد صورت می‌پذیرد. علاوه بر استفاده از روش خودارزیابی، مربیان و معلمان می‌توانند اثربخشی این برنامه را از طریق شفاهی و نیز تهیه پرسش‌نامه‌هایی مبنی بر پرسش‌گری، تفکر جمعی، سؤالات انتقادی کودکان، و استدلال‌پذیری کودکان در این دوره که به کمک والدین فراگیران تکمیل می‌شود ارزیابی کنند. فرایندمحور بودن هم به صورت درجه‌بندی از کلیه کارهایی که در مراحل مختلف به دست کودک انجام می‌شود صورت می‌پذیرد و قضاوت کیفی از مجموعه فرایندهای آموزشی صورت می‌گیرد و هدف اصلی آن، علاوه بر اصلاح و بهبود و تجدیدنظر در فعالیت‌ها، تقویت حس کنج‌کاوی و تقویت فکر و عمل کودکان و اصولاً تشویق آنان و ایجاد آمادگی برای آموزش‌های پیچیده بعدی است. نکته آخر این که ارزش‌یابی مداوم و فرایندی باید از طریق مشاهده رفتار کودک و پاسخ‌های او هنگام فعالیت‌های مختلف صورت گیرد.



شکل ۱. الگوی برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بنای اصلی الگوی برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان بر منطق راف تایلر (Ralph Tyler) و عناصر پیش‌نهادی او بوده است. دلیل برگزیدن چنین منطقی «قدمت»، «سادگی»، «شفافیت»، «مرحله‌ای بودن»، «تطبیق با دانش عملی معلمان و تسهیل‌گران ایرانی»، و نیز «متمركز بودن نظام آموزشی ایران» بوده است. البته منطق تایلر مشکلاتی نیز دارد که محققان سعی کرده‌اند با طراحی خاص موارد جزئی درون هر عنصر

از آن مشکلات پرهیز کنند و به‌سوی تعدیل معایب گام بردارند. در توضیحی دقیق‌تر باید گفت که هرچند اساس کار تایلری است، اما اصالت خروجی عناصر فلسفه برای کودکان بر الگوهای نوین برنامه‌درسی و آموزش بوده است، به‌طوری‌که ردپای سازنده‌گرایی (constructivism) به‌مثابه نظریه‌ای در یادگیری و نیز نوفهم‌گرایی (reconceptualism) به‌مثابه نظریه‌ای سنت‌گریز در برنامه‌درسی کاملاً مشهود است.

اولین عنصر در الگوی پیش‌نهادی اهداف است. اهداف آموزشی اساس هر آموزش اثربخش را تشکیل می‌دهند. مادامی‌که اهداف آموزشی تعیین نشده‌اند، نمی‌توان دوره را به‌طور منظم و مدون طراحی کرد تا به نتایج موردنظر رسید (امیری و هم‌کاران ۱۳۹۳: ۹۷-۱۱۸). به این منظور در فرایند آموزش فلسفه به کودکان اهداف هفت‌گانه را می‌توان وضع نهایی و مطلوبی تلقی کرد که به‌طور آگاهانه سودمند تشخیص داده شده‌اند و برای تحقق آن فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌پذیرد (پژوهشگاه هم‌کاری حوزه و دانشگاه ۱۳۸۶).

دومین عنصر این الگو محتواس است. محتوای برنامه‌درسی دربردارنده دانش‌ها، مهارت‌ها، فرایندها، و ارزش‌هاست (ملکی ۱۳۹۱)، که دانش‌آموز درضمن آموزش یا در فرایند یاددهی - یادگیری با آن در تعامل قرار می‌گیرد (نوریان ۱۳۸۷). انواع محتوای توصیه‌شده در الگو از زوایای مختلف، اعم از نوع مضامین و مفاهیم مورد استفاده، چگونگی سازمان‌دهی، اهمیت و ارزش مطلب، تناسب محتوا با جنبه‌های مختلف رشد یادگیرنده، و بالأخره نوع اثری که بر یادگیرنده می‌گذارد، قابل‌بحث و سزاوار اهتمام جدی است (ملکی و سلیمی ۱۳۹۴).

سومین عنصر در الگوی برنامه‌درسی فبک روش‌های یاددهی - یادگیری بود. هنگامی‌که از تدریس یا نحوه آموزش برنامه‌درسی صحبت می‌شود، منظور پیش‌بینی برخی از شرایط اجرای برنامه‌درسی است. به‌عبارت‌دیگر برنامه‌ریزان درسی فبک با استفاده از ۳۳ روش تدریس نحوه اجرای برنامه‌درسی را ازسوی مربی پیش‌بینی یا تعیین می‌کنند (فتحی و اجارگاه ۱۳۸۸).

آخرین عنصر الگوی پیش‌نهادی آموزش فبک روش‌های ارزش‌یابی است. ارزش‌یابی فعالیت نظام‌مندی است که ضمن فراهم‌کردن ملاک‌هایی برای ارزش‌گذاری به‌تهیه اطلاعاتی درباره پدیده یا موضوع ارزش‌یابی اقدام می‌کند و با مقایسه این دو دسته اطلاعات از سودمندی و ارزش موضوع یا پدیده خبر می‌دهد (موسی‌پور ۱۳۹۵). به‌عبارت‌دیگر هفت روش ارزش‌یابی توصیه‌شده سیمایی از وضعیت فعلی ترسیم می‌کند و فاصله آن را با وضعیت مطلوب نشان می‌دهد.

البته مذاقه در مبانی نظری و نیز سوابق پژوهشی توجه به عنصری مهم هم‌چون محیط را نیز برای برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان ضروری می‌نمایاند. عنصر محیط می‌تواند در همه عناصر الگوی پیش‌نهادی و در هر مرحله‌ای آثار مستقیم و غیرمستقیم خود را بگذارد و به‌مثابه مکمل ویژه‌ای تسهیل‌کننده آموزش تلقی شود. بنابراین در ادامه به جزئیات آن اشاره می‌شود. در این باره قانلی (۱۳۸۸: ۸۳-۱۰۸) اعتقاد دارد که محیط اجرای چنین برنامه‌ای باید ضمن غنی‌بودن و داشتن جوی آرام زمینه‌ساز تعامل و گفت‌وگوی میان دانش‌آموزان نیز باشد، به گونه‌ای که بتوانند به مرحله کشف رابطه میان پدیده‌ها برسند. تراویک اسمیت و زورگوت (Trawick-Smith and Dziurgot 2011: 110-123) هم بر فراهم‌سازی محیطی اذعان دارند که بتواند تسهیل‌گر بازی شود تا از درون بازی مفاهیم فلسفی توسط دانش‌آموزان یاد گرفته شود. صابری نجف‌آبادی (۱۳۹۰: ۵۲-۷۲) هم معتقد است که تحقق اهداف آموزش فلسفه به کودکان با حضور در محیطی فعال مانند موزه‌های تعاملی علم و هم‌راه با ابزار کمک آموزشی و دستگاه‌های تعاملی و در محیطی بانشاط و دل‌انگیز در ضمن تفریح و سرگرمی کودکان امکان‌پذیر است. فیشر (۱۳۹۶) بر وجود محیط آموزشی خودراه‌بر و فعال تأکید می‌کند. وانزیگلم (Vansieleghem 2014: 1300-1311) از مکان‌های اصیل و طبیعی و دست‌کاری آن از سوی دانش‌آموزان به‌مثابه جایگاه آموزش فلسفه به کودکان نام می‌برد. وسیع‌بودن محل گفت‌وگوی فلسفی دانش‌آموزان هم ویژگی دیگری است که ریکو و هم‌کاران (Riku et al. 2016: 79-92) بر آن تأکید می‌کنند. چالش‌برانگیزی و تهییج هیجانات دانش‌آموزان هم ویژگی دیگر محیط آموزش فلسفه به کودکان است که کیم (Kim 2012: 25-28) طرح کرده است. در انتها سجادیان (۱۳۸۸) و جسیکا (Jessica 2007) اقدام به معرفی محیط آموزشی پی‌گیرانه و فراهم‌کننده ساخت دانش مشارکتی در فلسفه برای کودکان می‌کنند. خلاصه ویژگی‌های محیط برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان در جدول ۶ قابل مشاهده است:

جدول ۶. ویژگی‌های محیط آموزش فلسفه برای کودکان

تحقیقات	کدها	محیط زمینه‌ساز طراحی و اجرای مطلوب آموزش فلسفه به کودکان
Kim 2012	چالش‌برانگیزی و تهییج هیجانات	
صابری نجف‌آبادی ۱۳۹۰	بانشاط و دل‌انگیزبودن	
Vansieleghem 2014	اصیل و طبیعی‌بودن	
Riku et al. 2016	وسیع‌بودن	

	غنی بودن	قاندی ۱۳۸۸
	دارابودن شرایط ایجاد یادگیری خودراهبر و فعال	فیشر ۱۳۹۶
	تسهیل گر بازی بودن	Trawick-Smith and Dziurgot 2011
	محیط آموزشی پی گیرانه و فراهم کننده ساخت دانش مشارکتی	سجادیان ۱۳۸۸، Jessica 2007

۵. بحث و نتیجه گیری

پژوهش به منظور طراحی الگوی برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان براساس سنتز پژوهی تحقیقات مرتبط انجام شد. از این رو محققان با مطالعه پژوهش هایی که به طور مستقیم و غیرمستقیم به چهار عنصر اصلی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان (شامل اهداف، محتوا، روش های یاددهی - یادگیری، و روش های ارزش یابی، و نیز یک عنصر جانبی اما اثرگذار به نام محیط آموزشی) الگوی ترکیبی و مفهومی طراحی کردند. در بخش نتیجه گیری چند نکته را می توان درباره کلیت الگوی پیش نهادی و نیز برخی جزئیات آن تبیین کرد.

اولین نکته حائز اهمیت این است که دشواری مباحث فلسفی به معنای خاص آن مانع از پرداختن به فلسفه به معنای تفکر و اندیشه ورزی نیست. برنامه درسی موجود در این پژوهش انواع مهارت های اندیشیدن را تقویت می کند و تفکر را از سنین کودکی پرورش می دهد، سنینی که برای یادگیری مهارت های زندگی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. اهداف این برنامه قابلیت اجرا در فضاهای مختلف آموزشی را دارد و دارای آثار بسیار مهم تربیتی و اخلاقی است.

دومین نکته آن است که تأکید عمده برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان بر محتوای برگرفته از فرهنگ و آداب و رسوم موجود در بافت بومی دانش آموزان است و سنن هر قوم و جامعه ای به شدت در تعیین محتوا مؤثر است. این نوع محتواگزینی کاری است که در سال های گذشته نیز با اقدامات هرچند اندک، اما مفید ستارپناهی و برخورداری (۱۳۹۶: ۱۱-۲۶)، عظمت مدار فرد و هم کاران (۲۰۱۶)، شمسیان (۱۳۹۵)، و ماهروزاده و تجری (۱۳۹۴: ۵-۲۶) در پیش گرفته شده است.

سومین نکته قابل توجه این است که برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر این ایده مبتنی است که کودکان قابلیت ها و توانایی های استدلال و دانش خود را در اجتماع می سازند. بنابراین، همان طور که در عنصر روش های یاددهی - یادگیری تبیین شد، نقش معلمان

آماده‌کردن دانش برای بلعیده‌شدن از سوی کودکان نیست، بلکه تدارک مدلی از متفکر مجرب و تضمین حفظ تفکر سطح بالا در کلاس است (هدایتی و هم‌کاران ۱۳۹۳: ۱۰۵-۱۳۸). نکته چهارم، که جایگاهش در روش‌های یاددهی - یادگیری است، این است که جداکردن فلسفه برای کودکان از جهان تربیت هیچ وجهی ندارد. مهم‌ترین پیامد این باور این است که استادان فلسفه، که تاریخ فلسفه یا فلسفه‌ورزی آموزش می‌دهند، برای «باکودک‌بودن» از آن جهت که صرفاً فلسفه‌دان یا فلسفه‌ورز است، کفایت لازم را ندارند، مگر این که از «ماهیت تربیتی» این ارتباط آگاه باشد.

نکته پنجم این که در الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه به کودکان ارزش‌یابی عنصری اساسی است که مشخص‌کننده فاصله میان اهداف قصدشده و کسب‌شده است. آنچه در این پژوهش به آن اشاره شد این بود که روش‌های ارزش‌یابی باید هم‌سو با اهداف باشند، چراکه روش ارزش‌یابی مرسوم و واحد به‌هیچ‌وجه توان ارزیابی دقیق و مطلوب همه نوع هدفی را ندارد. البته باید به این حقیقت هم توجه کرد که هدف از ارزش‌یابی تأیید یا عدم تأیید نیست، بلکه بهبود است. منظور محققان، که با رستگار (۱۳۸۳) هم‌سوست، این است که ارزش‌یابی باید در خدمت بهبود یادگیری باشد و به عمق‌بخشی و ثبات‌دهی مفاهیم فلسفی در یادگیرندگان کمک قابل‌توجهی کند. تسهیل‌گر (معلم) همواره باید از خود این سؤال را بپرسد که در میدان مسابقه فهم فلسفی میان کودکان من در کجا ایستاده‌ام؟ آیا آن داوری هستم که با زدن سوت آغاز مسابقه را اعلام می‌کنم یا آن که در پایان خط پرچم را فرود می‌آورد تا نقطه پایان و ختم همه‌چیز را نشان دهد و برنده را با بالابردن دست به دیگران نشان دهد. باور محققان پژوهش حاضر این است که تسهیل‌گر نه این است و نه آن؛ او نه آغازگر فرایند یادگیری کودک است، که او خود از بدو تولد یادگیری فلسفی و شناخت جهانی را که به آن وارد شده است آغاز می‌کند، و نه ختم‌کننده آن، که کنج‌کاوی آدمی برای آموختن تا دم مرگ او را رها نمی‌کند. او تسهیل‌گر آن دونده‌ای است که در مسیر راه با او می‌دود، نفس نفس می‌زند، تشنگی او را رفع می‌کند، سنگ‌ریزه‌ها را از جلوی پایش برمی‌دارد، نقاط قوت و ضعفش را در زمان دویدن ارزیابی می‌کند تا بداند نیازمند چه کمکی است. در این فرایند، اگر دونده به خط پایان هم نتواند برسد، تسهیل‌گر در مسیر مسابقه به او چنان اعتماد به‌نفسی می‌دهد که بدون تردید دوباره دویدن را آغاز خواهد کرد، اما این بار آماده‌تر و به‌شیوه‌ای دیگر. برای این که دانش‌آموزان، یعنی دونده‌های این میدان بزرگ فلسفی، همواره توان دویدن را در خود حفظ کنند، باید وحشت نرسیدن به خط پایانی در لحظه موعود و ازپیش‌معین را از آن‌ها دور کرد و مسابقه دوی انفرادی را به

مسابقه گروهی تبدیل کرد که در آن هر فرد برنده بودن خود را در گرو موفقیت هم گروه‌هایش می‌بیند و نگرش «برخاستن من در گرو زمین خوردن دیگران است» را به باور «همه با هم نجات پیدا می‌کنیم یا همه با هم غرق می‌شویم» تبدیل شود.

نکته آخر مربوط به محیط یادگیری است و حاوی این مطلب است که تسهیل‌گر محیط سستی را، که بدون توجه به هویت فلسفی کلاس و بدون توجه به تفاوت‌های فردی و بین فردی است، رها کند و به دنبال ایجاد محیطی باشد که توانایی‌های دانش‌آموز را شناسایی کند و به او اعتماد به نفس بخشد و بر این باور عمل کند که آموزش و محیط آموزشی در هم تنیده‌اند. تأکید مقاله حاضر بر این است که محیط آموزش فلسفه به کودکان باید خواهان فرهنگ فعال بودن و موفقیت‌طلبی باشد تا در گرو آن عنصر اهداف حاصل شود، محتوا سازمان‌دهی شود، و روش‌های تدریس به خوبی به اجرا درآید و روش‌های ارزش‌یابی نیز منطقی‌تر شود.

باتوجه به همه موارد مذکور، پیش‌نهاد محققان این است که کنش‌گران عرصه آموزش فلسفه به کودکان به صورتی متوازن، متعادل، و زنجیره‌ای به اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری، روش‌های ارزش‌یابی، و نیز شرایط محیط آموزشی معرفی شده توجه کنند تا نوعی نگرش نظام‌مند و معرفتی بر فرایند فلسفیدن و فلسفه‌ورزی کودکان حاکم شود. البته این حاکمیت می‌تواند به دو صورت متجلی شود: نخست، برنامه فبک به صورت واحد درسی کاملاً مجزا و مستقل در برنامه درسی کودکان قرار گیرد؛ دوم، به صورت روح فلسفی و استدلالی در کل برنامه درسی دمیده شود. اگر رویکرد نخست مدنظر باشد نیاز عمده‌ای شکل خواهد گرفت و آن برنامه درسی جدید است که مختصات آن به خوبی در پژوهش حاضر معرفی شد. اما اگر رویکرد اول که تدبیر خوبی برای مواجهه با ناکامی‌های استدلالی کودکان بود میسر نشد، می‌توان از طریق گفت‌وگوهای کلاسی روش فلسفی، یعنی روش تحلیلی و منطقی، را به کودکان آموزش داد. بنابراین در رویکرد دوم فلسفه آموزشی در کنار سایر آموزش‌ها نیست، بلکه زمینه‌ای برای رشد مهارت‌های فکری و استدلالی در تمامی دروس برنامه درسی است.

کتاب‌نامه

اسمعیل‌زاده، تیمور و آزادالله کرمی (۱۳۹۴)، «اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان ابتدایی»، فصل‌نامه تفکر و کودک، س ۶، ش ۲.

الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان براساس نتایج ... ۱۳۵

امی، زهرا و احد فرامرزی قراملکی (۱۳۸۴)، «مقایسه سبک‌های لیپمن و برنی فیر در فلسفه برای کودکان»، فصل‌نامه اندیشه نوین دینی، س ۱، ش ۲.

امیریان، توران (۱۳۹۶)، «مقایسه اثربخشی روش‌های مختلف آموزش فلسفه به کودکان بر تفکر منطقی دانش‌آموزان پایه ششم دوره ابتدایی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم.

امیری، مهدی، اکبر پرتابیان، و زهره امیری (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده برنامه‌درسی باقرآن کریم»، دوفصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، س ششم، ش ۲. ایمانی، معصومه و فرزانه تاجبخش (۱۳۹۴)، «روش تدریس فلسفه و کودک، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا».

بدری گرگری، رحیم و زهرا واحدی (۱۳۹۴)، «تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر»، دوفصل‌نامه تفکر و کودک، س ۶، ش ۱.

براتی، مرتضی (۱۳۹۶)، «ظرفیت بالای متون کهن ادب فارسی برای بومی‌سازی منابع فلسفه و کودک»، دوفصل‌نامه فلسفه و کودک، س ۸، ش ۱.

برخورداری، زینب (۱۳۹۴)، «تولید محتوای فلسفه و کودک»، دوفصل‌نامه فلسفه و کودک، س ۳، ش ۱. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۸۶)، «درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: سمت».

تاجداری، محمدحسن (۱۳۹۵)، «مقایسه تأثیر روش تدریس هم‌یارانه با روش کاوش‌گری بر خلاقیت دانش‌آموزان پسر در درس علوم تجربی پایه سوم ابتدایی منطقه چهار شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد.

جعفری، زهره، پروین صمدی، و یحیی قائدی (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهش‌گری کودکان دوره پیش‌دبستانی»، فصل‌نامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، س ۲، ش ۱۷.

جلیلیان، سهیلا، احسان عظیم‌پور، و فریبا جلیلیان (۱۳۹۵)، «اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش توانایی حل مسئله و قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان»، فصل‌نامه پژوهش‌های تربیتی، س ۸، ش ۴.

جناب‌زاده رودباری، مریم، فهیمه انصاریان، و عزت‌الله نادری (۱۳۹۵)، «بررسی نقش برنامه آموزش فلسفه برای کودک (P4C) بر کاهش برون‌ریزی و درون‌ریزی خشم در دانش‌آموزان پسر پایه اول مقطع متوسطه مدارس دولتی منطقه ۱۴ شهر تهران»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه تربیتی، س ۱۲، ش ۲.

حاتمی، حمیدرضا، یوسف کریمی، و زهرا نوری (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در افزایش هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر مقطع اول راه‌نمایی مدرسه شهدای آزاد تهران در سال تحصیل ۸۸-۸۹»، فصل‌نامه تفکر و کودک، س ۱، ش ۲.

حاجی نصرالله، شکوه (۱۳۸۴)، «چگونگی طرح مفاهیم انتزاعی در ادبیات کودک»، پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان، س ۴، ش ۴۱.

حسینی، افضل‌السادات و حسام حسینی (۱۳۹۰)، «بررسی رویکردهای مختلف در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و نسبت آن با برنامه درسی رسمی»، فصل‌نامه اندیشه‌های نوین تربیتی، س ۷، ش ۲.

خارستانی، اسماعیل (۱۳۸۷)، تبیین تطبیقی اهداف و روش‌های آموزش فلسفه به کودکان در کشورهای مختلف، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی. رحیمی نسب، حجت‌الله (۱۳۸۶)، امکان‌سنجی اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان و عوامل فردی مرتبط با آن در برنامه درسی دوره ابتدایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کرمان.

رستگار، طاهره (۱۳۸۳)، ارزش‌یابی در خدمت آموزش، تهران: منادی تربیت. رضانی، معصومه (۱۳۸۹)، «بررسی برنامه درسی فلسفه برای کودکان در راستای توجه به ابعاد مختلف ذهنیت فلسفی»، فصل‌نامه تفکر و کودک، س ۱، ش ۱.

روشن‌قیاس، پرورین (۱۳۹۳)، تأثیر برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر پرورش مهارت‌های تفکر آنان (به‌ویژه مهارت حل مسئله)، مجموعه مقالات اولین کنفرانس سراسری توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی، و فرهنگی.

ستاری، محمد (۱۳۹۵)، بررسی دیدگاه معلمان دوره ابتدایی مجری برنامه فلسفه برای کودک اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران نسبت به محتوا و روش اجرای این برنامه در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد.

ستاری، علی (۱۳۹۰)، بررسی و نقد فلسفه برای کودکان بر اساس مبانی فلسفی تربیت اسلامی، رساله دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

ستاری، علی (۱۳۹۵)، «رویکردهای مواجهه با برنامه درسی فلسفه برای کودکان و معرفی راهکار مناسب برای کاربست آن در ایران»، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، س ۱۵، ش ۲.

ستارپناهی، زهرا و زینب برخوردار (۱۳۹۶)، «بررسی اثربخشی و کارایی داستان‌های مثنوی (دفتر ششم) در فلسفه و کودک»، دوفصل‌نامه فلسفه و کودک، س ۴، ش ۴.

سجادیان، نرگس (۱۳۸۸)، طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی.

سجادیان، نرگس، یحیی قانلی، و معصومه امیری (۱۳۹۳)، «طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان ایرانی در پایه اول ابتدایی»، فصل‌نامه ارزش‌شناسی در آموزش، س ۱، ش ۱.

سروش، سمانه (۱۳۹۶)، بررسی ارتباط میان آموزش فلسفه به کودکان و تربیت شهروند جهانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران جنوب.

سلیمانی ابهری، هادی (۱۳۸۷)، «آموزش فلسفی کودکان در نظام تعلیم و تربیت رسمی»، فصل‌نامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، س ۱۰، ش ۱.

الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان براساس نتایج ... ۱۳۷

سیفی گندمانی، محمدیاسین، فرهاد شقاقی، و سارا کلانتری میدی (۱۳۹۰)، «اثربخشی برنامه‌آموزش فلسفه به دانش‌آموزان دختر بر عزت نفس و توانایی حل مسئله آن‌ها»، فصل‌نامه روان‌شناسی کاربردی، س ۵، ش ۲.

شریفی‌نسب، مریم (۱۳۸۸)، «فلسفه ادبیات کودک و فلسفه در ادبیات کودک؛ تضاد یا تعامل»، فصل‌نامه فرهنگ، س ۱۸، ش ۱.

شعبانی، حسن (۱۳۹۳)، *مهارت آموزشی: روش‌ها و فنون تدریس*، ج ۱، تهران: سمت.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، *فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: بین‌الملل.

شمسیان، زهرا (۱۳۹۵)، *بررسی تأثیر اجرای قصه‌های سنتی استان خوزستان بر پرورش تفکر انتقادی دانش‌آموزان ابتدایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران.

شاه‌نعمتی، زهرا، زهره سعادت‌مند، و نرگس کشتی‌آرای (۱۳۹۶)، «تحلیل روش‌های تدریس هنر به‌منظور ارائه الگوی مطلوب در دوره ابتدایی»، فصل‌نامه ره‌یافتی‌نود در مدیریت آموزشی، س ۸، ش ۳.

صابری نجف‌آبادی، ملیحه (۱۳۹۰)، «آموزش فلسفه به کودکان در موزه‌های تعاملی علم»، فصل‌نامه تفکر و کودک، س ۲، ش ۱.

صادقی هاشم‌آبادی، محمد و محمدکاظم علوی (۱۳۹۳)، «فلسفه برای کودکان»، دوفصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، س ۶، ش ۲.

صباغ حسن‌زاده، طلعت (۱۳۹۴)، *طراحی الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان در دوره ابتدایی براساس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، رساله دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

صفایی‌پور، حامد (۱۳۹۷)، *کودک، فبک، و تربیت*، تهران: گروه فلسفه برای کودکان.

صفرپور، بهشته (۱۳۹۵)، «آموزش فلسفه برای کودکان با رویکرد معنویت برای کودکان»، کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و رفتاری، تیر، تهران.

صمدی، پروین، یحیی قائدی، و معصومه رضوانی (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی برنامه‌درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی با برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان در پایه ۱۱ و ۱۲»، فصل‌نامه تعلیم و تربیت، س ۲۴، ش ۱۰۶.

عظیم‌پور، علیرضا، حسین اسکندی، و صغری ابراهیمی قوام (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر تحول اخلاقی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهر تهران در سال ۱۳۸۷»، فصل‌نامه روان‌شناسی تربیتی، س ۱۳، ش ۲۳.

علوی، محمود (۱۳۹۱)، *بررسی عناصر برنامه‌آموزش فلسفه به کودکان در دوره پیش از دبستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۸)، *اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی*، تهران: بال.

فخرایی، الهام (۱۳۸۹)، «فلسفه برای کودکان: گامی به سوی پیوند فلسفه با جامعه»، فصل‌نامه تفکر و کودک، س ۱، ش ۱.

فیشر، رابرت (۱۳۹۶)، *آموزش تفکر به کودکان*، ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، اهواز: رسش.

قائدی، یحیی و مریم دیباواجاری (۱۳۹۰)، «پیش‌نهاد چهارچوبی برای ارزش‌یابی برنامه درسی فلسفه برای کودکان»، فصل‌نامه اندیشه‌های نوین تربیتی، س ۷، ش ۴.

قائدی، یحیی (۱۳۸۸)، «برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره راه‌نمایی و متوسطه»، فصل‌نامه فرهنگ، س ۱۸، ش ۱.

قائدی، یحیی (۱۳۸۳)، *آموزش فلسفه به کودکان، بررسی مبانی نظری*، تهران: داروین.

قبادیان، مسلم (۱۳۹۴)، «تأثیر برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی»، فصل‌نامه پژوهش‌های تربیتی، س ۸، ش ۲.

قضاوی، فاطمه (۱۳۸۶)، *تقد و بررسی برنامه آموزش فلسفه به کودکان در پایه سوم (بیکسی) براساس اصول برنامه‌ریزی درسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران.

کار، دیوید، فنستر ماخر، و ریچارد سون (۱۳۹۳)، *روش‌های تدریس پیشرفته*، ترجمه هاشم فردانش، تهران: کویر.

کیارسی، سمیه و دیگران (۱۳۹۵)، «فرایند رشد تفکر انتقادی کودکان در آگاهی از خشونت و کلیشه‌های جنسیتی - اجتماعی رسانه‌ای از طریق C4p»، فصل‌نامه تعامل انسان و اطلاعات، س ۳، ش ۳.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۵)، «آموزش شهروند ملی و جهانی هم‌راه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان»، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، س ۵، ش ۱۷.

ماهروزاده، طیبه و الهام تجری (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر داستان‌های گلستان سعدی بر پرورش قضاوت اخلاقی نوجوانان با استفاده از روش آموزش فلسفه به کودکان»، دوفصل‌نامه فلسفه و کودک، س ۵، ش ۲.

مرعشی، منصور، حجت‌الله رحیمی‌نسب، و مهدی لسانی (۱۳۸۷)، «امکان‌سنجی اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در برنامه درسی دوره ابتدایی»، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، س ۷، ش ۲۸.

مرعشی، منصور (۱۳۸۵)، *بررسی تأثیر روش اجتماع پژوهشی برنامه فلسفه برای کودکان بر مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان پسر پایه سوم راه‌نمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز*، رساله دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

ملکی، حسن و جمال سلیمی (۱۳۹۴)، *برنامه درسی بین رشته‌ای در آموزش عالی (مبانی، اصول، رویکردها، و الگوها)*، تهران: سمت.

ملکی، حسن (۱۳۹۱)، *مقدمات برنامه‌ریزی درسی*، تهران: سمت.

موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۹۵)، *مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه*، مشهد: به‌نشر.

الگوی برنامه‌درسی آموزش فلسفه برای کودکان براساس نتایج ... ۱۳۹

ناجی، سعید (۱۳۸۹)، *کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان*، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ناجی، سعید و دیگران (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان با نظر به میزان ابتدای آن بر پراگماتیسم دیویی»، فصل‌نامه تفکر و کودک، س ۲، ش ۲.

نقدعلی، محسن و زهرا پناهی (۱۳۹۰)، «ارتباط اجتماع‌پژوهی در برنامه فلسفه برای کودکان با روش‌های تدریس فعال و مشارکتی»، فصل‌نامه تفکر و کودک، س ۲، ش ۲.

نوریان، محمد (۱۳۸۷)، *تحلیل محتوای رسانه‌های آموزشی با تأکید بر کتاب‌های درسی*، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

واعظ شهرستانی، زینب (۱۳۹۲)، *نقد و تحلیل برنامه درسی پایه پنجم و ششم فلسفه برای کودکان (داستان کشف هاری استاتلمیر و راه‌نمای آموزشی آن تحت عنوان کاوش‌گری فلسفی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز. هدایتی، مهرانوش و حامد ماهزاده (۱۳۹۵)، «فلسفه برای کودکان و مهارت حل مسئله اجتماعی»، *دوفصل‌نامه علوم تربیتی*، س ۲۳، ش ۱.

هدایتی، مهرانوش (۱۳۹۳)، «مطالعه تطبیقی دوره‌های تربیت مربی برنامه فلسفه برای کودکان در ایران و کشورهای پیش‌رو و ارائه الگوی مناسب برای ایران»، فصل‌نامه تفکر و کودک، س ۵، ش ۱.

یاری دهنوی، مراد (۱۳۹۴)، *درآمدی بر برنامه فلسفه برای کودکان* (از مجموعه آموزش مربی فلسفه برای کودکان و نوجوانان)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یاری دهنوی، مراد و عماد حاتمی (۱۳۹۰)، «تبیین و نقد پژوهش‌های دانشگاهی آموزش فلسفه به کودکان در ایران از منظر روش پژوهش و نتایج آن‌ها»، فصل‌نامه تفکر و کودک، س ۲، ش ۱.

یوسفی، عاطفه (۱۳۹۵)، «اصول بازنویسی داستان‌های متون کهن فارسی به‌منظور استفاده در برنامه فلسفه و کودک»، *دوفصل‌نامه فلسفه و کودک*، س ۴، ش ۲.

Azemat Madar Fard, F., H. Bakhtiyar Nasrabadi, and M. H. Heidari (2016), "Philosophy for Children: Capacity Evaluation of Humorous Stories in Masnavi Based on Lipmans Views on Philosophical Thinking Components", *Educational Research and Reviews*, vol. 11, no. 12.

Barrow, W. (2015), "I think She's Learnt How to Sort of Let the Class Speak: Children's Perspectives on Philosophy for Children as Participatory Pedagogy", *Thinking Skills and Creativity*, vol. 5, no. 17.

Barrow, W. (2010), "Dialogic, Participation, and the Potential for Philosophy for Children", *Thinking Skills and Creativity*, vol. 5, no. 2.

Bleazby, J. (2009), "Philosophy for Children as a Response to Gender Problems", *Thinking: The Journal of Philosophy for Children*, vol. 19, no. 2

Cannon, D. and M. Weinstein (1985), "Reasoning Skills: An Overview", *Thinking*, vol. 2, no. 6.

- Cannon, D. (1987), "Good Reasoning: A Reconsideration Drawn from Experience with Philosophy for Children", *Analytic Teaching*, vol. 2, no. 8.
- Colom, R. et al. (2014), "The Long-term Impact of Philosophy for Children: A Longitudinal Study (Preliminary Results)", *Analytic Teaching and Philosophical Praxis*, vol. 1, no. 4.
- Daniel, M. F., M. Gagnon, and J. C. Pettier (2012), *The Developmental Process of Dialogical Critical Thinking in Preschool Children*, Classroom Discourse.
- Daniel, M. F. and A. Delsol (2005), "Learning to Dialogue in Kindergarten, a Case Study". *Analytic Teaching*, vol. 7, no. 25.
- Dewey, John (1937), *Logic: The Theory of Inquiry*, Southern Illinois University Press.
- D'Olimpio, L. and C. Teschers (2016), "Philosophy for Children Meets the Art of Living: A Holistic Approach to an Education for Life", *Philosophical Inquiry in Education*, vol. 23, no. 2.
- Fair, F. et al. (2015), "Socrates in the Schools from Scotland to Texas: Replicating a Study on the Effects of a Philosophy for Children Program", *Journal of Philosophy in Schools*, vol. 2, no. 1.
- Fayemi, A. K. (2009), "Human Personality and the Yoruba Worldview: An Ethico-sociological Interpretation", *The Journal of Pan African Studies*, vol. 2, no. 9.
- Gazzard, A. (1988), "Thinking Skills in Science and Philosophy for Children", *Thinking*, vol. 2, no. 7.
- Gorard, S., N. Siddiqui, and B. H. See (2017), "Can 'Philosophy for Children' Improve Primary School Attainment?", *Journal of Philosophy of Education*, vol. 5, no. 1.
- Green, L. and J. Condy (2016), "Philosophical Enquiry as a Pedagogical Tool to Implement the CAPS Curriculum: Final-Year Pre-Service Teachers' Perceptions", *South African Journal of Education*, vol. 36, no. 1.
- Haynes, J. (2002), *Children as Philosophers*, London: Routledge Falmer.
- Hanna, J. (2007), *American Foundation for the Advancement of Doing Philosophy with Children*. USA: Sophia.
- Hymer, B. (2002), IAPC, Montclair State University.
- Jessica, G. (2007), *Companying Classroom of an Inquiry Curriculum*, Lawrence Erlbaum Associates.
- Kennedy, D. (1996), "Young Children's Moves: Emergent Philosophical Community of Inquiry in Early Childhood Discourse", *Critical and Creative Thinking*, vol. 1, no. 4.
- Kim, A. (2012), "Philosophy for Children", *Educational Perspectives*, vol. 44, no. 1.
- Kohan, W. (2011), "Childhood, Education, and Philosophy: Notes on Deterritorialisation", in: N. Vansieleghem and D. Kennedy (eds.), *Special Issue Philosophy for Children in Transition: Problems and Prospects*, *Journal of Philosophy of Education*, vol. 45, no. 2.
- Kohan, W. (2018), "Paulo Freire and Philosophy for Children: A Critical Dialogue", *Studies in Philosophy and Education*, vol. 37, no. 6.
- Kottalil, N. (2009), "Meaning Making and Self-evaluation", *School Psychology Review*, vol. 8, no. 32.
- Lansdown, G. (2011), *Every Child's Right to Be Heard*, London: Save the Children Fund UK.

- Lane, N. R. and S. A. Lane (1986), "Rationality, Self-esteem, and Autonomy through Collaborative Enquiry", *Oxford Review of Education*, vol. 3, no. 12.
- Limpan, M. (1980), *Philosophy in the Classroom*, Temple University Press.
- Limpan, M. (1988), *Philosophy Goes to School*, Temple University Press
- Leckey, M. (2001), "Philosophy for Children in the Middle Years of Schooling Findings from a Year Seven Case Study", *Analytic Teaching*, vol. 21, no. 2.
- Makaiau, A. and N. Tanaka (2018), "Philosophy for Children: A Deliberative Pedagogy for Teaching Social Studies in Japan and the USA", *Journal of International Social Studies*, vol. 8, no. 2.
- Mehta, S. and D. Whitebeard (2005), *Philosophy for Children and Moral Development in the India Context*, Cambridge University Press.
- Morrison, G. S. (2014), *Early Childhood Education Today*, 13th Edition, Person.
- Murris, K. (2016), "The Philosophy for Children Curriculum: Resisting 'Teacher Proof' Texts and the Formation of the Ideal Philosopher Child", *Studies in Philosophy and Education*, vol. 35, no. 1.
- Murris, K. (2008), "Philosophy with Children, the Stingray and the Educative Value of Disequilibrium", *Journal of Philosophy of Education*, vol. 42, no. 3.
- Ndofirepi, A. and M. Cross (2015), Child's Voice, Child's Right: Is Philosophy for Children in Africa the Answer?, *Journal of Interchange*, vol. 46, no. 3.
- Nussbaum, M. (2010), *Not for Profit. Why Democracy Needs the Humanities*, Princeton: Princeton University Press.
- Reznitskaya, A. (2008), *Philosophical Discussion in Elementary School Classroom: Theory, Pedagogy, Research*, New Jersey: Montclair State University.
- Riku, V., J. Hannu, and S. Ari (2016), "Philosophy for Children as an Educational Practice", *Studies in Philosophy and Education*, vol. 35, no. 1.
- Sanjana, M. and D. Whitebread (2005), *Philosophy for Children and Moral Development in the Indian Context*, Cambridge University Press.
- Sutcliffe, R. and S. Williams (2000), *The Philosophy Club: An Adventure in Thinking*, Seville: Dialogue Works.
- Trawick-Smith, J. and T. Dziurgot (2011), "Good-fit Teacher-child Play interaction and the Subsequent Autonomous Play of Preschool Children", *Journal of Early Childhood Research Quarterly*, vol. 7, no. 26.
- Trickey, S. and K. J. Topping (2007), "Collaborative Philosophical Enquiry for School Children Socio-emotional Effects at 11 to 12 Years", *School Psychology International*, vol. 27, no. 5.
- Trickey, S. and K. J. Topping (2004), "Philosophy for Children: A Systematic Review", *Research Papers in Education*, vol. 75, no. 3.
- Tummolini, L., C. Castelfranchi, and H. Rakoczy (2006), "Pretend Play and the Development of Collective Intentionality", *Journal of Cognitive Systems Research*, vol. 2, no. 7.
- Vansieleghem, N. (2014), "What Is Philosophy for Children? from an Educational Experiment to Experimental Education", *Educational Philosophy and Theory*, vol. 46, no. 11.

- Välitalo, R., H. Juuso, and A. Sutinen (2016), "Philosophy for Children as an Educational Practice", *Journal of Studies in Philosophy and Education*, vol. 35, no. 1.
- Venter, E. and G. Higgs (2014), "Philosophy for Children in a Democrati Classroom", *The Social Science Journal*, vol. 41, no. 1
- Vygotsky, L. S. (1978), *Mind and Society: The Development of Higher Mental Processes*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Vygotsky, L. S. (1962), *Thought and Language*, Cambridge, Mass: MIT Press.
- Wilks, S. (2004), *Background to Thinking Curricula: Theories Concerning Thought and Languages, Designing a Thinking Curriculum*, Melbourne: Australian Academy of the Arts.